

آسلاَم گرایي افراطی یا افزار جنگ

نویسنده : اسحق آتمر

قسمت اول

اگر به عوامل پیدایش تروریسم اسلامی دقیق شویم، ریشه های آن را در دوران جنگ سرد و روابط و حمایت ایالات متحده آمریکا از آن میبینیم. طراح ها و ستراتژیست های آمریکا متمایل بودند تا در شرق میانه، شمال آفریقا و آسیای جنوبی و مرکزی بر تکیه به این عناصر به اهداف خود برسند. این مفکوره به رشد و تقویه اسلام گرایي افراطی کمک کرد. هدف آمریکا استفاده از این نیرو در مقابل کشور های جهان سوم خاصا ناسیونالیزم عرب که در دوران جنگ سرد با ظهور جمال عبدالناصر در مصر، معمرالقذافی در لیبیا و صدام حسین در عراق به ظهور رسیده بودند، متمرکز بود. آنچه آمریکا از آن می هراسید تمایل این رهبران به سوسیالیزم بود ضمنا آمریکا تلاش زیاد به خرج میداد تا پیشروی شوروی ها را در مرز های جنوبی آن مهار نماید. آمریکا تلاش داشت تا مفکوره اسلام افراطی را در جمهوری های آسیای میانه ترویج نماید گویا آمریکا می خواست تا ازین گروه استفاده ای افزاری نماید. اگر به پس منظر این مفکوره نظر کنیم، ایالات متحده آمریکا با استفاده از اسلام گرایان افراطی بر ضد ناسیونالیزم عرب در شرق میانه و در جنوب آسیا بر ضد هند و افغانستان استفاده نمود. ریشه های اسلام افراطی را در اواخر قرن نوزده میلادی به عنوان اسلام سیاسی میتوان یافت. با به ظهور رسیدن اخوان المسلمین در مصر- انجمن حجتیه در ایران - حزب الله در لبنان - وهابیت در عربستان سعودی - مجاهدین در افغانستان والقاعده در شرق میانه و حتی اسلام گرایان افراطی دیگر که در پاکستان شکل گرفتند، به نحوی روابط خود را با ایالات متحده آمریکا حفظ کردند که گواه روشن این مدعا جنگ های عراق سوریه و افغانستان است. امریکایی ها خواستند تا به بکار گرفتن اسلام گرایان آنها را بر علیه ناسیونالیزم عرب که تازه در شرق میانه شکل گرفته بود تقویت نموده و هم با گسترش آنان در کشور های چون پاکستان و افغانستان جلو نهضت های روشنفکری و دیموکراتیک را که تازه در منطقه جوانه زده بود بگیرد بدین منظور امریکایی ها حکومت ذوالفقار علی بوتورا در پاکستان سر نگون نموده و جنرال ضیاالحق را که مرد مناسب برای پیاده نمودن مفکوره های اسلام گرایي بود به اریکه ای قدرت رسانیدند مقارن این احوال تغییراتی در افغانستان نیز بوقوع پیوسته بود و آن اینکه حزب دیموکراتیک خلق به رهبری نور محمد تره کی زمام امور را بدست داشت. گفته می توانیم که پیامد هر دو تغییر در افغانستان و پاکستان نتیجه تقابل دو ابر قدرت بزرگ آمریکا و شوروی در منطقه بود. با تجاوز شوروی به افغانستان امریکایی ها تصمیم گرفتند تا افغانستان را به یک ویتنام دیگر به شوروی ها تبدیل نماید. پس پاکستان باید بخش عمده جنگ را در افغانستان پیش ببرد و باید جنگجویان را از لحاظ اسلحه - مهمات - پول و مشوره کمک نماید.

در سال 1983 جنرال ضیاالحق با یک کودتای نظامی زمام امور را بدست گرفت. او سیاستمدار زیرک و بیرحم بود. پاکستان تحت تسلط کامل قوای مسلح اداره می شد. وضعیت سیاسی پاکستان در نیم قرن گذشته نظر به مشکلات مرزی با افغانستان و مسله ای کشمیر با هندوستان و همچنان مسله ای بلوچ ها در جنوب و پشتون ها در ایالت صوبه سرحد همیشه بحرانی بود.

رفت و آمد منظم و متواتر ولیام کیسی William Casey سر مشاور رییس جمهور ریگن در امور اطلاعاتی ایالات متحده امریکا و رییس عمومی اداره CIA به پاکستان و کمک های مالی و نظامی بی حد و حصر امریکا و کشور های عربی به مجاهدین را میتوان نمونه ای ازین روابط دانست.

پول از سه منبع ذیل برای پیشبرد جنگ به افغانستان سر ا زیر می شد :

1. امریکا

2. عربستان سعودی

3. دیگر کشور های عربی

پول کشور های عربی مستقیماً به تنظیم های جهادی در پاکستان فرستاده می شد ولی پول عربستان سعودی و ایالات متحده امریکا از طریق CIA به تنظیم های جهادی در پاکستان می رسید .

سلاح و تجهیزات نظامی از کشور های چین - مصر - اسرائیل- امریکا و بریتانیا خریداری و تهیه می شد که بعداً از طریق ISI در شهر های اسلام آباد - راولپندی و کوئته به دسترس تنظیم ها قرار میگرفت .

بخش عمده کمک های امریکا را پول نقد تشکیل میداد که از طریق CIA به حساب های مخصوص در پاکستان که تحت کنترل ISI قرار داشت انتقال داده می شد.

. آی.اس.آی: (Inter Services Intelligence) (ISI) یا اداره اطلاعات داخلی پاکستان بعد از ایجاد پاکستان در سال 1948 به ابتکار تورن جنرال (R.Cawthome) انگلیسی که در آن زمان قوماندانی قوای زمینی اردوی پاکستان را بر عهده داشت ایجاد گردید. این اداره با صلاحیت ترین و مقتدر ترین اداره از جمله ادارات اطلاعاتی سه گانه پاکستان است. این قدرت و مصونیت زمینه سوءاستفاده های متعددی را برای مسئولان این اداره نیز فراهم کرده و در روی کار آوردن و برکناری حکومت های سه دهه اخیر پاکستان دست های پشت پرده آن سازمان دخیل است. کارمندان نظامی و غیر نظامی داخل تشکیل آن در حدود 25000 - 30000 تخمین میگردد. سهمگیری فعال آن در جنگ بر علیه افغانستان سبب رشد وسیع آن شده و از پشتیبانی و کمک های همه جانبه سی.آی.ای برخوردار شد.

در داخل پاکستان و حتی قوای مسلح آن نظر خوبی نسبت به آن سازمان وجود ندارد و آنرا دولت در درون دولت میدانند. آی.اس.آی روابط نزدیک با (CIA) امریکا ، (MI6) انگلستان و (MOSSAD) اسرائیل دارد.

خانم هلری کلنتون کاندید ریاست جمهوری سال 2017 امریکا زمانیکه وزیر خارجه بود در یکی از بیانیه هایش چنین گفت :

کسانی را که امروز ما با آنها در جنگ ایم بیست سال پیش خود مان به وجود آورده ایم زمانیکه درگیر جنگ سرد با شوروی سابق بودیم . شوروی افغانستان را اشغال کرده بود و ما نمی خواستیم شاهد کنترل شوروی بر آسیای میانه باشیم . رییس جمهور ریگن با تایید کنگره به پشتیبانی از ارتش پاکستان پرداخت بعد هم مجاهدین افغان را با انواع سلاح و تجهیزات جنگی مجهز کردیم . حتی از عربستان سعودی هم کمک مالی و انسانی گرفتیم و اجازه دادیم که اسلام وهابی در افغانستان رشد کند تا ما بتوانیم شوروی را شکست بدهیم شوروی ها ملینارد ها دالر از دست دادند و در نهایت امپراطوری شوروی از هم پاشید برای همین خیلی ها معتقد اند که این سرمایه گذاری بدی برای ما نبوده چون هرچه کاشتیم همان را درو می کنیم در واقع اشتباهات ایالات متحده امریکادر نیمه دوم قرن بیستم در جریان بازی با کارت اسلام از شناخت بسیار سطحی آنها از این پدیده ناشی شد .

امریکایی بدین باور بودند که میتوان اسلام سیاسی را بسیج کرد و به عنوان حربه ای از آن بر علیه کمونیسم استفاده نمود . این فرضیه با بوجود آمدن پاکستان مخصوصا در دهه 1970 شکل و رنگ جدیدی به خود گرفت . ظهور اخوان المسلمین در خاور میانه که برای تشکیل حکومت اسلامی می کوشیدند سیاستمداران غربی را ترغیب نمودند تا در شرق میانه در پی نیرو های سیاسی ایدیولوژیک برآیند تا بتوانند از نظر فکری مقابل کمیونیزم بایستند در کشور های عربی این واقعیت وجود داشت که روشنفکران، سیاستمداران و دیگر جنبش های آزادی بخش که برای استقلال شان می جنگیدند به طور روز افزون به احزاب و جنبش های چپ می پیوستند . ولی بر خلاف قبایل بدوی ، سرمایه داران ، دهقانان بی سواد تمایل کمتری به افکار چپی داشتند . کسانی که در راس آنها قرار داشتند افرادی مانند حسن البنا ، ابوالا علی مودودی ، سعید رمضان و چند نفر دیگر بودند که بنام اخوان المسلمین یاد میشدند . آنها بیشتر در بین محصلان و ژورنالستان به کمک خاندان سلطنتی عربستان سعودی جای پای خود باز کردند . تقابل فکری مسلمانان با کمونیسم سبب سرباز گیری های بیشتری از جهان اسلام بر علیه کمونیسم شد که در نتیجه سبب بوجود آمدن اسلام سیاسی در بعضی از کشور های عربی و مخصوصا ان کشور هاییکه با اسرائیل و یاهم با رژیم های شان مشکل داشتند گردید . در دهه پنجاه و شصت میلادی یک تعداد جنبش های آزادی بخش ملی در فلسطین و سر زمین های اشغالی شکل گرفتند از جمله جنبش آزادی بخش میهنی فلسطین (الفتح) مهمترین سازمان سیاسی و نظامی فلسطینی است که در سال ۱۹۵۹ توسط یاسر عرفات و خلیل الوزیر (ابوجهاد) با هدف آزادی فلسطین از سیطره اسرائیل از طریق مبارزات چریکی بنیان گذاری شد . عرفات و یارانش فتح را در قاهره شکل داده و در کویت ادامه دادند . آن ها در سال ۱۹۶۳ یک ساختار منظم را در کرانه باختری رود اردن ایجاد کردند و در دسامبر ۱۹۶۴ نخستین عملیات نظامی خود را با انفجار یک کارخانه تصفیه آب در اسرائیل به انجام رساندند . جبهه مردمی برای آزادی فلسطین : سازمان چپ گرای سیاسی و نظامی فلسطینی است که در سال ۱۹۶۷ به رهبری جورج حبش با هدف آزادی فلسطین از سیطره اسرائیل از طریق مبارزات چریکی بنیان گذاری شد . ساحه فعالیت این جبهه کرانه غربی رود اردن و مخصوصا شهر رام الله است .

سپتامبر سیاه : جنگ کرامه در آغاز سبب اتحاد این جنبش با دولت شاهی اردن شد جنگ سپتامبر ۱۹۷۰ از سرفصل های مهم در تاریخ حیات این جنبش است . دولت اردن در 24 سپتامبر همین

سال به فرمان ملک حسین حکومت نظامی را اعلان کرد که در نتیجه به قلع و قمع کردن این جنبش انجامید لذا نام انرا سپتامبر سیاه گذاشتند .

اسناد و شواهد زیادی در دست است که نشان می دهد چگونه امریکا و انگلستان (سی ای و ام ای) توانست روابط خود را با اخوان المسلمین خاور میانه قایم کند .

مهره اصلی این رابطه شخصی بنام سعید رمضان بود که یکی از چهره های خیلی جوان و فعال اخوان المسلمین به شمار می رفت . او مسوول روابط خارجی و داماد حسن البنا نیز بود .

سعید رمضان در سال 1953 به امریکا سفر کرد و با ایزنهاور رییس جمهور وقت و دیگر مقامات بلند رتبه ای استخباراتی امریکا نیز ملاقات های داشت . وی جوان فعال و پر تحرکی بود که تمام فعالیت های اخوان المسلمین را از شرق میانه گرفته تا پاکستان و آسیای میانه تنظیم میکرد . گفته می شود که رییس جمهور امریکا در جریان ملاقات که با سعید رمضان و هیئت همراهان وی داشت خیلی علاقمند شد تا ازین نیروی تازه بر خواسته مذهبی برای حفظ منافع امریکا در شرق میانه و همچنان در جنوب آسیا بر علیه جنبش های مترقی استفاده کند . سندی که اخیرا بوسیله اداره اطلاعات بین المللی (IIA) تحت نام "سند محرمانه اطلاعات امنیتی" فاش شده، تمام اهداف این پروژه را واضح می سازد : هدف واقعی این بود تا " افراد و شخصیت هایی که در شکل دهی افکار مسلمانان در عرصه های گوناگون از جمله معارف، ساینس، قانون و فلسفه و بعضا هم در بخش های سیاسی نقش دارند گردآورده شوند . در میان سایر اهداف که پشت این برنامه قرار داشت، یکی این بود تا به جریان روشنگری اسلامی انگیزه و سمت و سویی با اتکا به این افراد داده شود." در عین زمان، ایالات متحده در جستجوی آن بود تا راه خود را به خاور میانه باز کند . شرق شناسان امریکایی و نخبگان دیگر مصروف تبادل نظر پیرامون این بحث بودند که چگونه از اسلام سیاسی برای بسط و گسترش نفوذ امریکا در منطقه استفاده شود .

ویلیام کیسی رییس استخبارات امریکا تصمیم گرفت تا پنج هزار جلد قران کریم را چاپ نموده و توسط یکی از ازبکان المان نشین و بعضی از گروه های اسلامی به از بکستان فرستاده و انرا پخش کنند .

امریکایی ها از هر نیروی فکری ای که علیه کمونیسم قرار میگرفت استفاده می کردند . انها سعد رمضان را به حیث یک نیروی فکری میانه رو می شناختند و توسط وی ملاقات های شانرا با حسن البنا رهبر اخوان المسلمین تنظیم می کردند . چند دهه بعد اخوان المسلمین به سازمانی بدل شد که وسعت ان از شرق میانه بیرون رفته و به جنوب آسیا یعنی پاکستان کشانیده شد . گروه های افراطی اسلام گرا که در دوران جنگ سرد علیه تجاوز شوروی به افغانستان شکل گرفته بودند زمینه را برای رشد القاعده مساعد ساختند . افراطیون پاکستانی با بوجود آوردن طالبان نقش مهم دیگری را ایفا نمودند وان حمایت از القاعده بود . امریکایی ها در دوران جنگ سرد چه در شرق میانه و چه هم در پاکستان ازین نیرو ها بر علیه دشمن خود یعنی شوروی ها استفاده کردند و با بوجود آوردن گروه های مذهبی که از بطن اخوان المسلمین خواسته بود در سال 1978 در ایران به رهبری آیت الله روح الله خمینی رژیم رضا شاه را سقوط داد .

درینجا لازم می بینم تا به بعضی از گروپ های افراطی که در شرق میانه و منطقه بوجود آمده اند نظری مختصری داشته باشم.

اخوان المسلمین :

جنبش اسلام گرای سنی است که در سال 1928 میلادی در شهر اسماعیلیه مصر به رهبری حسن البنا اساس گذاشته شد . این نهضت به تاثیر از اندیشه های سید قطب – محمد غزالی – سید جمال الدین افغان و محمد عبود بوجود آمد.

حماس :

یا حرکت مقاومت اسلامی در سال 1987 میلادی توسط شیخ احمد یاسین بنام شاخه فلسطینی اخوان المسلمین ایجاد شد این گروه مخالف موجودیت اسرائیل در قلمرو فلسطینی ها بود و با حملات انتحاری – راکتی و جنگ داغ در مقابل اسرائیل موافق است. حماس با جنبش الفتح شدیداً مخالف بوده که این مخالفت در سال 2007 با یک جنگ تمام عیار تبدیل شد و سرزمین فلسطین به دو بخش تقسیم گردید نوار غزه بدست حماس به رهبری اسماعیل هنیه و کرانه باختری بدست الفتح به رهبری محمود عباس .

حزب الله لبنان:

سازمان سیاسی نظامی در لبنان است . این گروه در سال 1980 با الهام از اندیشه های امام خمینی در لبنان ظهور کرد . حزب الله کمک های سیاسی و نظامی خود را از ایران دریافت میکند .

حزب الله لبنان پس از سالها جنگ چریکی قادر شد جنوب لبنان را در سال 2000 از اشغال اسرائیل بیرون کند . ساختار تشکیلاتی آن از اسلام گرایان چون حزب الدعوة به رهبری سید محمد حسین فضل الا الله و دیگر جنبش های امل و فتح شکل گرفت.

انجمن حجتیه : تشکیلاتی بود که با هدف اصلی دفاع از اسلام در مقابل بهائیت در سال 1332 به رهبری یک روحانی شعیه بنام شیخ محمود حلبی بوجود آمد. این گروه را در سال 1362 امام خمینی به اتهام خیانت و ارتجاع تعطیل کرد .

اختلاف اصلی اعتقادی انجمن حجتیه با دیدگاه حاکم در جمهوری اسلامی ایران آنست که آنها معتقد به تلاش برای تشکیل حکومت اسلامی تا پیش از ظهور امام عصر نیستند . انجمن حجتیه به شدت مخالف تشکیل حکومت اسلامی و دخالت عالمان دینی در سیاست اند .

ادامه دارد